

The Pattern of American Cultural Infiltration in the Islamic Republic of Iran and the Strategies for Confronting It

Ahad Azadikhah*

Research Article	Receive Date: 2025.04.12	Accept Date: 2025.11.19	Online Publication Date: 2026.03.17	Pages: 161-191
------------------	-----------------------------	----------------------------	--	----------------

Cultural infiltration, as one of the forms of soft power and a behavioral pattern of U.S. foreign policy in recent years, has exposed target countries, including Iran, to cultural changes, changes that have confronted the young and educated generation with identity and cultural challenges. Based on this necessity, the main question of the article is: relying on what pattern has the United States engaged in creating cultural infiltration in Iran, and what strategy can the Islamic Republic use to confront it? The hypothesis is that the United States, by making use of universal media tools, has sought to legitimize Western liberal norms and to structurally delegitimize Iran in order to consolidate its cultural infiltration, therefore, it is necessary for the Islamic Republic also to place national cultural image-making on its agenda. The aim of the article is to identify the grounds for American cultural infiltration in Iran and to prescribe a strategy for confronting it. Accordingly, by benefiting from data analysis and applying a descriptive-analytical research method using quantitative and qualitative data, as well as the necessary explanatory foundations from Huntington's theory of the clash of civilizations, steps were taken toward this goal.

Keywords: *Cultural Infiltration, American Hegemonism, Soft War, Cyberspace*

* PhD in Political Science, Faculty of Payambar-e-Azam, Imam Hossein University, Tehran, Iran;
Email: ahadazadikhah114@gmail.com

Majlis and Rahbord, Volume 33, No. 127, Fall 2026

How to cite this article: Azadikhah, A. (2026). "The Pattern of American Cultural Infiltration in the Islamic Republic of Iran and the Strategies for Confronting It", *Majlis and Rahbord*, 33(127), p. 161-191.

doi: 10.22034/mr.2025.17874.6037

الگوی نفوذ فرهنگی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله با آن

احد آزادی‌خواه*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸	تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶	شماره صفحه: ۱۹۱-۱۶۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------------	---------------------

نفوذ فرهنگی به عنوان یکی از اشکال قدرت نرم و الگوی رفتاری سیاست خارجی آمریکا طی سال‌های گذشته کشورهای هدف را از جمله ایران در معرض ایجاد تغییرات فرهنگی قرار داد؛ تغییراتی که نسل جوان و تحصیل کرده را با چالش‌های هویتی و فرهنگی مواجه ساخته است. براساس این ضرورت، سؤال اصلی مقاله آن است که آمریکا با اتکا به چه الگویی به نفوذ آفرینی فرهنگی در ایران مبادرت کرده و جمهوری اسلامی از چه راهبردی برای مقابله می‌تواند استفاده کند؟ فرضیه آن است که آمریکا با بهره‌گیری از ابزارهای جهان‌شمول رسانه‌ای به دنبال مشروع‌نمایی هنجارهای لیبرالیستی غربی و مشروعیت‌زدایی ساختاری در ایران بوده تا نفوذ فرهنگی خود را قوام بخشد، از این رو ضروری است جمهوری اسلامی نیز تصویرسازی فرهنگی ملی را در دستور کار قرار دهد. هدف مقاله آن است که زمینه‌های نفوذ فرهنگی آمریکا را در ایران شناسایی و راهبرد مقابله با آن را تجویز کند. بنابراین با بهره‌جویی از تجزیه و تحلیل داده‌ها و کاربست روش تحقیق توصیفی-تحلیلی از داده‌های کمی و کیفی و همچنین مبانی تبیینی لازم از نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون در این هدف گام برداشته شد.

کلیدواژه‌ها: نفوذ فرهنگی؛ سلطه‌طلبی آمریکا؛ جنگ نرم؛ فضای مجازی

* دکتری علوم سیاسی، دانشکده پیامبر اعظم، دانشگاه امام حسین، تهران، ایران؛
Email: ahadazadikhah114@gmail.comr

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و سوم، شماره یکصد و بیست و هفتم، پاییز ۱۴۰۵

روش استناد به این مقاله: آزادی‌خواه، احد (۱۴۰۵). «الگوی نفوذ فرهنگی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله با آن»، مجلس و راهبرد، (۱۲۷)، ۳۳، ص. ۱۶۱-۱۹۱.

doi: 10.22034/mr.2025.17874.6037

مقدمه

در اهمیت و ضرورت رعایت روابط دو کشور ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران می‌توان این‌گونه بیان کرد که در سال‌های آغازین انقلاب و نیز تا چند سال پس از آن، بیشتر اقدام‌های ایالات متحده آمریکا در ایران بر فعالیت‌های سخت چون (ترور و حمله نظامی) متمرکز بوده است. اما در سال‌های اخیر و پس از شکست‌های پیایی نظامی و افزایش هزینه‌های مادی و معنوی استفاده از ابزارهای سخت، آمریکا تمرکز فراوانی بر اقدام‌های نرم گذاشته است. از آنجاکه فرهنگ یک مقوله اجتماعی است و ریشه در اعتقادات و آداب‌ورسوم هر جامعه دارد یکی از روش‌های نظام سلطه در دوران استعمار جدید، هجوم به فرهنگ و باورهای یک ملت است. در مورد جمهوری اسلامی ایران پس از پایان جنگ تحمیلی، نظام سلطه تلاش خود را در جبهه فرهنگ علیه ایران متمرکز کرد.

از طرفی یکی از مهم‌ترین تهدیدهایی که حکومت‌ها در دیرباز با آن مواجه‌اند فرایند نفوذ است. در سال‌های اخیر نفوذ به‌مانند سایر پدیده‌ها گسترش پیدا کرده و با گذشت زمان دچار تغییرات زیادی شده است که قابلیت مطالعه و پژوهش دارد. در این میان می‌توان یکی از مهم‌ترین انواع نفوذ ایالات متحده آمریکا را در جمهوری اسلامی ایران که به‌نوعی دربرگیرنده بسیاری از ویژگی‌های نفوذ نرم است، نفوذ فرهنگی معرفی کرد. به تعبیر مقام معظم رهبری عرصه‌ای که با تهاجم به فرهنگ آغاز و در سیر زمان به شبیخون فرهنگی و سپس ناتوی فرهنگی و با سهل‌انگاری متولیان حوزه فرهنگ به نفوذ فرهنگی انجامیده است.

سؤال اصلی مقاله آن است که آمریکا با اتکا به چه الگویی به نفوذآفرینی فرهنگی در ایران مبادرت کرده و جمهوری اسلامی از چه راهبردی برای مقابله می‌تواند استفاده کند؟ فرضیه آن است که آمریکا با بهره‌گیری از ابزارهای جهان‌شمول رسانه‌ای به‌دنبال مشروع‌نمایی هنجارهای لیبرالیستی غربی و مشروعیت‌زدایی ساختاری در ایران بوده تا نفوذ فرهنگی خود را قوام بخشد، از این‌رو ضروری است تا جمهوری اسلامی نیز تصویرسازی فرهنگی ملی را در دستور کار قرار دهد.

در این راستا، الگوهای نفوذ فرهنگی در ایران شامل نفوذ مستقیم از طریق محصولات رسانه‌ای (فیلم‌ها، سریال‌ها، موسیقی، برنامه‌های تلویزیونی و محتوای آنلاین به‌ویژه از نوع آمریکایی) و نیز نفوذ غیرمستقیم با الگوهای رفتاری و سبک زندگی (ترویج الگوهای مصرفی، مد، تفریحات، روابط اجتماعی که از فرهنگ آمریکایی الگو می‌گیرد و نیز نفوذ از طریق شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و حتی آموزش زبان) مورد واکاوی قرار می‌گیرد. نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران به‌عنوان متغیر مستقل و راهبردهای مقابله با نفوذ فرهنگی به‌عنوان متغیر وابسته، ابزارهای نفوذ فرهنگی شامل رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، محصولات فرهنگی به‌عنوان متغیرهای میانجی‌گر مطالعه می‌شود. این پژوهش با تحلیل داده‌ها و اسناد مرتبط به‌دنبال آن است که زمینه‌های نفوذ فرهنگی آمریکا را در ایران شناسایی و راهبرد مقابله تجویز کند. نیل به این هدف مستلزم بهره‌جویی از تجزیه و تحلیل داده‌ها و کاربست روش تحقیق توصیفی-تحلیلی از داده‌های کمی و کیفی است. مبانی تبیینی لازم در این زمینه را نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون فراهم می‌آورد. بر این اساس، امکان ارائه تصویری جامع از وضعیت فرهنگی ایران و ارزیابی اثربخشی راهبردهای دولت یازدهم و دوازدهم فراهم می‌شود.

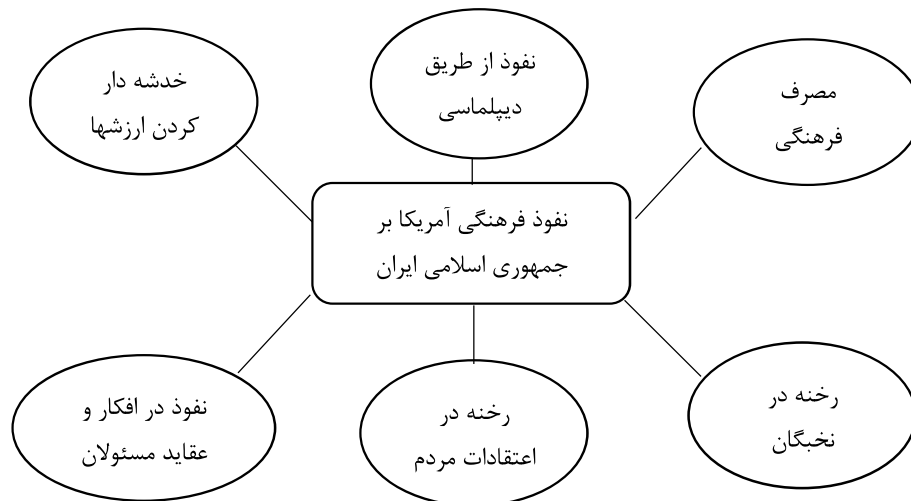
۱. پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های قابل توجه در این زمینه، مقاله‌ای با عنوان «طرح راهبردی مقابله با نفوذ سیاسی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آرا و اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» نوشته رحیمی و ایزدی (۱۴۰۰) را می‌توان نام برد. در این رساله، به‌طور کلی شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ آمریکا در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان ضمن بررسی سابقه ۲۰۰ ساله نفوذ آمریکا برای مقابله با ایران به بیان ابزارها و شیوه‌های این نوع سیاست‌ورزی پرداخته‌اند و ابزارها و شیوه‌های نفوذ آمریکا را در ایران و تحولات مربوطه بررسی کرده‌اند. در این زمینه مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی شیوه‌های نفوذ در پسابرجام» به قلم دولتی و شمسی‌گوشتی

(۱۳۹۷) نوشته شده است. در این رساله، تأثیر نفوذ فرهنگی آمریکا بر هویت ملی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام مورد مطالعه قرار گرفته و با توجه به عوامل و مؤلفه‌های نفوذ فرهنگی آمریکا به این باور رسیده‌اند که فعالیت‌ها و سناریوهای مهم و راهبردی نظام سلطه در مقابله با آمریکا پس از برجام سعی در تأثیرگذاری بر هویت ملی ایرانیان دارد. تحقیق دیگر، پایان‌نامه رضوی‌پور (۱۳۸۱) با عنوان «پایان جنگ سرد و گسترش نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه» است که به‌صورت کلی نفوذ آمریکا بعد از جنگ سرد در خاورمیانه و تک‌قطبی شدن دنیا مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین به‌صورت جزئی به نفوذ فرهنگی آمریکا در خاورمیانه و ایران پرداخته است. در مقاله‌ای تحت عنوان «مناسبات فرهنگی عامل نفوذ آمریکا در ایران»، مراحل نفوذ و سلطه فرهنگی آمریکا بر ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی بررسی شده است. پژوهش مذکور به‌مثابه تبیین مسئله‌ای تاریخی مراحل نفوذ و سلطه ایالات متحده را در ایران برای شناخت بهتر ریشه‌های خصومت ایران و آمریکا تجزیه و تحلیل کرده است. همچنین درخصوص بحث نفوذ فرهنگی پژوهش‌های گوناگونی انجام شده که می‌توان به مقالات حسن‌خانی (۱۳۸۴)، حاجی‌یوسفی (۱۳۸۱) و جمشیدی‌ها (۱۴۰۰) اشاره کرد.

نکته قابل توجه در مطالعات انجام شده، حاکی از کمبودها و خلأهایی است. این مطالعات اغلب آثار نفوذ فرهنگی را به‌صورت عمومی مورد بحث قرار داده‌اند و گونه‌شناسی مشخصی از راهکارها معرفی نکرده‌اند که باید بررسی‌های دقیق و موشکافانه انجام شود. بدین سبب ویژگی این مقاله آن است که به‌صورت تخصصی به مطالعه موردی سیاست نفوذ فرهنگی آمریکا به‌شکلی کاملاً مبسوط می‌پردازد. به‌عبارت دیگر موضوع پژوهش در نوع خود دارای نوآوری و ابتکار عمل بوده و انجام آن می‌تواند ابعاد جدیدی از یک فرایند تحقیقی الگوساز را توصیه و تبیین کند. بنابراین براساس مطالعه سازمان‌یافته ادبیات و پیشینه تحقیق، متغیرهایی شناسایی شده که از عوامل تأثیرگذار بر نفوذ فرهنگی آمریکا بر ایران است. این متغیرها در قالب الگویی به شرح زیر ترسیم شده است.

شکل ۱. الگوی نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. تعریف نفوذ

در کتب لغت‌شناسی، نفوذ به معنای اثرکردن در چیزی، داخل شدن در چیزی، تأثیر گذاشتن بر کسی و راه یافتن پنهانی در گروه یا جایی آمده است. همچنین معادل انگلیسی نفوذ نیز در لغت به معنای کشش یا قدرتی است که نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان تولید می‌کند (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در اصطلاح، نفوذ را می‌توان تأثیرگذاری جریان اندیشه و منافع گروهی خاص بر یک ملت، کشور، جامعه یا گروه دانست که با اعمال قدرت نرم خود که در آن از خشونت و اجبار فیزیکی برخوردار نیست، بر مواضع و نقاط حساس و راهبردی آن کشور یا جریان تأثیر غیرمستقیم و در برخی موارد مستقیم می‌گذارد (قربی، ۱۳۹۴: ۳).

۲-۲. تعریف نفوذ فرهنگی

نفوذ فرهنگی همان تلاش جامعه نفوذکننده است برای اینکه فرهنگ خویش را بر جامعه هدف که فرهنگی متمایز دارد تحمیل یا حداقل در فرهنگ آن جامعه دگرگونی ایجاد کند (باقری چوکامی، ۱۳۹۵: ۲۴۴؛ جی، ۱۳۷۲). همچنین در مکتب فرانکفورت نیز هدف نظریه پردازان این مکتب ایجاد تغییرات فرهنگی در جوامع دوران خود بوده است. در زمان حاضر با توجه به رشد فکری و آگاهی که در جهان ایجاد شده است، نفوذ، سلطه و تحصیل مستعمرات از طریق جنگ نظامی، یا امکان پذیری کمتری دارد یا در صورت امکان، هزینه زیادی را به همراه دارد؛ بنابراین همین امر سبب شد تا استعمارگران روش نفوذ به کشورها را تغییر دهند.

۲-۳. گونه شناسی انواع نفوذ

۱. **نفوذ موردی (فردی):** ساده ترین شکل نفوذ موردی است که در آن دشمن جاسوس یا جاسوسانی را در لباس دوست وارد دستگاه مورد نظر می کند.
۲. **نفوذ اقتصادی:** در این حوزه دشمن می کوشد اقتصاد را به گونه ای به سمت وابستگی پیش برد که هیچگاه به خودکفایی دست نیابد.
۳. **نفوذ امنیتی:** در این حوزه دشمن سعی می کند از طرق مختلف نسبت به توانایی نظامی کشور و همچنین ضعف های آن کسب اطلاعات کند تا در زمان لازم امنیت کشور را مورد خطر قرار دهد.
۴. **نفوذ سایبری:** دشمن در این عرصه اهداف مختلفی با استفاده از فضای مجازی و سایبری دنبال می کند. در بخشی سعی می کند تا به باورها و ارزش های ایرانی- اسلامی حمله کند و در بخش دیگر می کوشد مردم کشور را از وضعیت کشور ناامید کند و این گونه القا کرده که کشور وضع آشفته ای دارد. در بخش دیگر تلاش می کند تا با حملات هک های خود، سایت های دانشگاه و نهادهای مختلف کشور را هک کند. این عرصه از نفوذ مکمل نفوذ فرهنگی و امنیتی است.
۵. **نفوذ سیاسی:** این شکل از نفوذ ابتدا در مراکز تصمیم گیری و اگر نشد در

عرصه تصمیم‌سازی اتفاق می‌افتد و هدف این است که تصمیم‌های مسئولان بر مبنای خواست، میل و اراده دشمن گرفته شود.

۶. نفوذ جریانی: مقام معظم رهبری (رهبر شهید) در این باب فرمودند: نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت، به‌وسیله پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن می‌شود. عمده‌ترین وسیله دو چیز است: یک پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند و به آن سمت مورد نظر خودشان بکشانند (بیانات مقام معظم رهبری^۱ ۱۳۹۴/۹/۴).

۷. نفوذ فکری و فرهنگی: این مدل مهم‌ترین عرصه دشمن برای اعمال نفوذ است و در این راستا منابع مالی که برای نفوذ فکری- فرهنگی هزینه می‌شود، بسیار بیشتر است چراکه همه حوزه‌های جامعه را تحت تأثیر قرار خواهد داد و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری مهم‌ترین ویژگی‌های نفوذ فرهنگی شامل موارد زیر است:

- خطرناک‌تر بودن نفوذ فرهنگی از دیگر نفوذهای،
- جاده صاف کن دشمن برای نفوذ سیاسی و اقتصادی،
- ابزار استعمارگران برای رسیدن به اهداف ظالمانه (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱).

۴-۲. ابزارهای نفوذ فرهنگی

- **بهره‌برداری از وسایل ارتباط جمعی:** وسایل ارتباط جمعی به‌دلیل ویژگی فراوان از جمله پوشش فراگیر، قابلیت آموزش، قابلیت تطابق داشتن با فهم عوام و فرازمان بودن مورد توجه عاملان تهاجم فرهنگی هستند. متأسفانه این ابزار شمشیر دولبه‌ای است که استکبار جهانی لبه مخرب و فسادانگیز آن را برای قطع ریشه‌های فرهنگی هر کشور به‌کار می‌گیرد. امروزه فرهنگ غرب بر وسایل

۱. بیانات مقام معظم رهبری (رهبر شهید) از سایت www.khamenei.ir برگرفته شده است.

ارتباط جمعی در جهان تسلط داشته و از طریق خبرگزاری‌ها و شبکه‌های رادیو و تلویزیون و سینما علیه انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند (حیاتی علی‌آباد، ۱۳۹۷: ۲۴۷).

- **محصولات سینمایی:** از راه صدور فیلم‌های سینمایی و غیره که براساس فرهنگ بی‌بندوبار و رعایت نشدن نکات اخلاقی و زمینه تحریک جنسی ساخته می‌شود تا حریم مقدس محرم و نامحرم کم‌رنگ شود و جوانان دختر و پسر به بلوغ زودرس و تحریک جنسی دچار شوند و پرده‌های حیا و شرم، از بین رفته و زمینه فساد خودبه‌خود فراهم شود (همان).

- **ترویج برهنگی:** خداوند بزرگ در قرآن می‌فرماید: ای پیامبر به زنان و دختران مؤمن بگو پوشش‌های خود را فروتر گیرید. این کار برای اینکه از کنیزان و آلودگان شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (احزاب: ۵۹). ابداع و ترویج مدهای لباس و پوشاک که به تدریج عفاف را از دختران و زنان سلب می‌کند و هم‌اکنون آثار این شیوه شوم که در جامعه انقلابی ایران به چشم می‌خورد، یکی از ابزارهای نفوذ فرهنگی دشمن است (حسینی‌نژاد و ملکوتیان، ۱۳۹۹: ۶۰).

- **آموزش زبان ترجمه و اصطلاحات:** آموزش به سبک غربی، یکی از روش‌های استعماری نفوذ در کشورهای جهان سوم بوده است. یکی از کارکردهای پنهان این برنامه‌های آموزشی که در ظاهر به منظور پیشرفت علمی کشورها اجرا شده، زمینه‌سازی برای پذیرش فرهنگ بیگانه و برتر جلوه دادن آن و انهدام فرهنگ ملی بوده است. زبان می‌تواند مهم‌ترین ابزار نفوذ فرهنگ بیگانه باشد (حاجی رستم‌لو، ۱۳۹۴: ۴۲).

تحقیق قنبری خانقاه (۱۳۹۳) با عنوان «سازوکارهای بهره‌برداری آمریکا از آموزش زبان انگلیسی برای گسترش قدرت نرم و راهکارهای مقابله با آن و با تأکید بر منابع آموزش زبان انگلیسی در ایران» به این موضوع پرداخته است. این پژوهش نتایج تحلیل محتوای منابع آموزش زبان انگلیسی آمریکایی را در ایران نشان داد که بهره‌برداری آمریکا از آموزش زبان انگلیسی برای گسترش قدرت نرم خود

در سه بعد شکوه، زیبایی و خیرخواهی و منابع فرهنگی، اقتصادی و سیاسی انجام می‌شود (قربی، ۱۳۹۴).

- فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی: امروزه فناوری‌های جدید ارتباطی موجب ظهور فضای مجازی در کنار جهان واقعی شده است و از ویژگی‌هایی چون بی‌مکانی، محدود نبودن به قوانین مدنی، متکی به دولت‌ها-ملت‌ها، در دسترس بودن هم‌زمان و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جدید برخوردار است (شهرام‌نیا، ابراهیمی و بلباسی، ۱۳۹۱: ۷۲).

بنابراین استعمارگران در اجرای مقاصد خود، سیاست‌های فرهنگی را در قالب عناوینی چون تبلیغ دینی، رواج فناوری، ترویج زبان، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت، سوادآموزی دنبال می‌کنند که از نظر نوع دوستی و انسانیت جای تردیدی در آنها نیست و عبارت دیگر فرهنگ‌پذیری است. بدین ترتیب، استعمارگران دریافته‌اند که بهترین راه نفوذ در کشورهای هدف، نفوذ فرهنگی و استحاله درونی آنان است و این امر را با جایگزینی ارزش‌های موردپسند خویش به جای معیارهای اصیل و فطری ملت‌ها (که نام تمدن رشد و توسعه را بر آن نهاده‌اند) (پهلوان، ۱۳۷۸) دنبال می‌کنند و بدین ترتیب بدون مشکلات گزینه نظامی، با صرف زمان لازم به منافع خود در این کشورها نائل می‌شوند. این همان عبارت هجوم فرهنگی است، یعنی بیگانگان با این جایگزینی هوشیارانه ملت و جوامع را مطیع خواست خویش می‌سازند و در نتیجه چنین تغییری، تهاجم فرهنگی حاصل می‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، (رهبر شهید انقلاب)، پدیده «تهاجم فرهنگی» را این‌گونه معرفی می‌کنند: در تهاجم فرهنگی یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم، باورهای تازه‌ای را به‌زور و به‌قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند (تابش و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

تضاد فرهنگی دولت‌های سرکار آمده در دوران پس از انقلاب اسلامی همواره چالش اساسی برای جمهوری اسلامی ایران بوده است که همین مسئله به‌نظر

می‌رسد خود ضربه بسیاری از لحاظ تنوع رفتاری بر مردم داشته است. جدال بین چپ و راست در هر دوره‌ای سبب افزایش هجمه به جمهوری اسلامی ایران در تضاد رفتاری درون حاکمیتی بوده است. در حوزه فرهنگ نیز اختلاف نگرش و شیوه اجرای سیاست فرهنگی در دولت‌ها تداوم داشته است. مسئله فرهنگ و آسیب‌های آن یکی از مهم‌ترین مسائل انقلاب بوده است، اما بعد از ۳۴ سال در حوزه فرهنگ آنچه باید وجود داشته باشد، به‌نظر شایسته نیست. از آنجاکه انقلاب ما اخلاق‌محور بوده باید پرسید آیا امروز اخلاقی در جامعه وجود دارد؟ (کاظمی و بصیرینیا، ۱۳۹۷). بازگشایی خانه سینما در شهریور ۱۳۹۲، صدور پروانه نمایش برای برخی از فیلم‌های توقیف شده، دلجویی از سینماگران خانه‌نشین و کاهش شکاف بین آنها و دولت‌های مختلف، راه‌اندازی سینمای هنر و تجربه، از اقدام‌های دولت‌ها بوده است. اما این اقدام‌ها به انتقاد جریان‌های ارزشی به اکران برخی فیلم‌ها و جلوگیری از نمایش آنها، فشارهای مجلس و برخی رسانه‌ها و توقیف برخی فیلم‌ها و عقب‌نشینی وزارت ارشاد در برابر این انتقادهای منجر شد. این جدال در حوزه‌های دیگر فرهنگی نیز به‌کرات مشاهده شده است. در مورد کنسرت‌ها، با وجودی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صدور مجوز برای برگزاری آنها در شهرهای مختلف اقدام می‌کند اما در برخی شهرهای کشور با حمایت گروه‌ها و مسئولان محلی از برگزاری این کنسرت‌ها ممانعت می‌شود. در بحث مدیریت فضای مجازی درحالی که مدیران نهادهایی چون شورای عالی فضای مجازی، قوه قضائیه و سازمان پدافند غیرعامل از بسط دایره فیلترینگ سخن می‌گفتند، برخی رؤسای جمهور وقت کوشیده‌اند تا با ذکر مزایای فضای مجازی برای بسط آزادی، ایجاد شغل و ... خود را به‌عنوان سدی در مقابل فیلترینگ و حامی رفع فیلتر مطرح کنند.

مورد دیگر به اختلاف بین نیروهای حاضر در ساحت سیاسی جمهوری اسلامی در ماجرای سند آموزش ۲۰۳۰ در کشور می‌توان اشاره کرد. اما تنها چند روز پس از رونمایی این سند، پیش‌نویسی از محتویات آن منتشر شد که اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، برخی از مراجع تقلید و نمایندگان مجلس به آن اعتراض کردند و

معتقد بودند این سند مغایرت‌هایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی دارد و تعهدی که ایران به یونسکو داده، مراجع رسمی و ذی‌صلاح داخلی تأیید نکردند و روند قانونی خود را طی نکرده است. بعد از انتقادهای و کشمکش‌های فراوانی که به این سند شد در نهایت مقام معظم رهبری، پذیرش و اجرای این سند را در کشور اقدامی اشتباه دانسته و به شدت از آن انتقاد کردند. همین کشمکش‌ها در این دوران سبب چالش‌های فرهنگی زیادی داخل کشور شد (برای مثال و توضیحات بیشتر می‌توان به کلهر (۱۳۹۹) مراجعه کرد).

۳. چارچوب نظری

در میان چارچوب‌های نظری مختلفی که به نقش و جایگاه فرهنگ در تحلیل سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی پرداخته‌اند، نظریه برخورد تمدن‌ها از جایگاه نام‌آشنایی برخوردار است که بر پرسشی مهم درباره هویت انسان‌ها و آبشخور فرهنگی آن تمرکز دارد. هانتینگتون از تمدن علاوه بر مضامین و جلوه‌های مادی، مبانی فرهنگی آن را نیز مراد می‌کند و با دین و مذهب درمی‌آمیزد و در چارچوب تحلیلی رئالیستی آن را جای می‌دهد. مطابق این نظریه، هویت انسان‌ها بیشترین درآمیختگی را با مذهب دارد نه با قومیت. یک فرد می‌تواند نیمه‌آمریکایی-نیمه‌آسیایی باشد، اما نمی‌تواند نیمه‌مسیحی-نیمه‌مسلمان باشد. از این رو، مهم‌ترین خاستگاه هویتی انسان‌ها حتی در عصر کوچک‌شدگی جهان را تعلقات مذهبی حتی فراتر از تعلقات قومی تشکیل می‌دهد (هانتینگتون، ۱۳۸۰).

برخورد تمدن‌ها را هانتینگتون در بستری تئوریزه کرد که موج جدید بازگشت به خویشتن بر مبانی مذهبی به‌طور اخص در میان جوامع مسلمان غرب آسیا تحت عنوان تجدید اسلام‌گرایی^۱ سر برآورد. از این رو، هانتینگتون محور تحولات نظم جهانی پساجنگ سرد را بر «گسل تمدنی» متمرکز ساخته است. یکی از اصلی‌ترین خطوط این گسل حول محور تمدن اسلامی و بنیادگرایی اسلامی در برابر تمدن

غربی و لیبرالیسم غربی شکل گرفته است. البته هانتینگتون خطوط گسل در برخورد تمدن‌ها را بر محور تمدن اسلامی و کنفوسیوسی در مقابل تمدن غربی ترسیم می‌کند و آن را جایگزین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد می‌داند؛ خطوطی که به مثابه جرقه‌های بحران و خون‌ریزی است. از این دیدگاه، سرانجام تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی در کنار هم رویاروی تمدن غرب قرار می‌گیرد (امیری، ۱۳۷۲).

نظریه برخورد تمدن‌ها درواقع، نظریه‌ای رئالیستی محسوب می‌شود که بر مبانی فرهنگی صورت‌بندی شده است. مطابق آن، دولت-ملت‌ها همچنان بازیگران اصلی جهان محسوب می‌شوند، اما منازعات اصلی در سیاست بین‌الملل نه میان دولت‌ها بلکه میان ملت‌ها و گروه‌هایی با تمدن‌های مختلف و بر لبه خطوط گسل تمدنی روی می‌دهد (همان: ۴۶).

هانتینگتون تمدن‌های اسلام و چین (کنفوسیوس) را رقبای اصلی تمدن غرب می‌داند اما تمدن اسلام را خط گسل اصلی معرفی می‌کند که تهدید وجودی برای غرب به‌شمار می‌رود؛ زیرا تنها تمدنی محسوب می‌شود که تمدن غرب را در معرض شک‌و‌تردیدهای جدی قرار می‌دهد (Huntington, 1996: 210). بنابراین، یکی از اصول نظریه برخورد تمدن‌ها آن است که تعارض اصلی بعدی در سیاست جهان میان مسلمانان و غیرمسلمانان است (Smith, 2001: 3).

هانتینگتون عوامل اصلی فعال شدن گسل‌های مورد اشاره و برخورد تمدن‌ها را در توسعه اقتصادی، تحول فناوری و مهم‌تر از همه تغییرات جمعیتی می‌داند. تغییر موازنه جمعیتی موجب برهم‌خوردن رابطه اسلام و غرب شده است. جمعیت جوانِ جویای خاستگاه‌های هویتی خود به رستاخیز اسلامی بازگشته‌اند. جمعیت جوان ارتش جنبش‌های سیاسی اسلام‌گرا (بنیادگرایی اسلامی) را فراهم می‌آورند و از این‌روست که انقلاب اسلامی در شرایطی به‌وقوع پیوست که جمعیت جوان در ایران افزایش چشمگیری یافته بود. از این دیدگاه، جنبش‌های بنیادگرای اسلامی با دو انگیزه مهم سلطه‌ستیزی و بازگشت به اسلام به حرکت درمی‌آید (Huntington, 1998: 2049).

از فحوای نظریه می‌توان نتیجه گرفت که صاحبان تمدن غرب می‌باید به مقابله با تمدن اسلام برآیند. بنابراین، تأثیرگذاری نظریه برخورد تمدن‌ها در تشدید خصومت میان تمدن اسلام و تمدن غرب و تشویق کشورهای غربی به مقابله با کشورهای مسلمان را نمی‌توان نادیده انگاشت. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیر این نظریه بر روابط جهان غرب با اسلام نیز تقابل فرهنگی و هویتی در بستر گفتمان‌سازی فرهنگی جدید بر بستر ایدئولوژی لیبرالیستی است. پرواضح است که نظریه برخورد تمدن‌ها «مشخصه‌ای تجویزی-حکومتی دارد و در پی حفظ جایگاه هژمونیک آمریکا است» (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۲۶). فرجام نظریه هانتینگتون آن است که به آمریکا نسبت به احیا و ستیزنده شدن تمدن‌ها به‌ویژه تمدن اسلام هشدار می‌دهد.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع کیفی با تکیه بر مطالعه موردی است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، متشکل از تعدادی از خبرگان نهادهای مرتبط با انقلاب فرهنگی (کد مصاحبه‌شوندگان ۱ تا ۴)، خبرگان حوزوی و دانشگاهی در رشته‌های علوم سیاسی- روابط بین‌الملل (کد مصاحبه‌شوندگان ۵ تا ۱۱)، سیاستگذاری عمومی (کد مصاحبه‌شونده ۱۲)، جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی (کد مصاحبه‌شونده ۱۳) و مطالعات فرهنگی (کد مصاحبه‌شوندگان ۱۴ تا ۱۵) و نیز برخی اعضای هیئت علمی با رویکردهای کاملاً بی‌طرفانه و در رشته‌های علوم پایه، مهندسی و کشاورزی و منابع طبیعی (۱۶ تا ۲۵) بودند که در حوزه موضوع پژوهش صاحب‌نظر هستند. گفتنی است جامعه آماری انتخاب شده با توجه به تفاوت دیدگاه بنیادین نخبگان و جناح‌های سیاسی کشور، بی‌طرف و به‌نوعی درهم‌آمیخته است و همچنین تجزیه و تحلیل و ترسیم داده‌ها به زبان ریاضیات در زمره داده‌های قابل‌استناد به‌شمار می‌رود. به لحاظ نظری رویکرد علمی این تحقیق با در نظرگیری ارتباط میان متغیر

مستقل به نوعی ترسیم شده است که همانا شامل اقدام‌های آمریکا و نیز متغیر وابسته سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران است. متغیر وابسته تأثیر اقدام‌های موجود در جامعه و فرهنگ ایران با بیان موارد و میزان تأثیرگذاری آنها است درواقع سیاست‌های دول ایران در این مقاله عملاً به عنوان متغیر وابسته از اقدام‌های آمریکا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. گفتنی است در محدوده بضاعت‌های یک تحقیق دانشگاهی، مؤلفه‌ها و عناصر محدودی بیان و مورد ارزیابی کمی و کیفی قرار گرفته است. بی‌شک بهره‌گیری از جامعه آماری و جمعیت نمونه این مقاله که شامل ۲۵ عنصر تصادفی دارای ویژگی‌های آشنا به فضای عمومی جامعه است که عملاً دقت لازم را با در نظرگیری یک فاصله اطمینان بالا در رسیدن به واقعیات انضمامی و علمی تضمین می‌کند. گفتنی است تنوع بخشی به تغییر مؤلفه‌های وابسته و مستقل می‌تواند در رویکردی عددی و نرم‌افزاری خروجی‌های مختلفی را دربرگیرد که همانا با خواسته‌های این تحقیق سازگاری ندارد. به عبارت دیگر پس از تحقیق و تفحص فراوان با متخصصان، انتخاب مؤلفه‌های مستقل و وابسته مذکور مدل الگوی نفوذ فرهنگی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله با آن را به نوعی جهت‌دهی بخشید.

شایان ذکر است جامعه آماری اغلب از اساتید مبرز دانشگاهی هستند. از این رو، برای انتخاب آنها از روش نمونه هدفمند از نوع گلوله برفی^۱ استفاده شد، به صورتی که یک شرکت کننده در پژوهش، ما را به شرکت کنندگان دیگر هدایت می‌کرد. از این رو تعداد ۲۵ مشارکت کننده براساس اشباع نظری^۲ در یافته‌های پژوهش شرکت کردند. به سخن دیگر نمونه‌گیری از صاحب نظران تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند اکتشاف و تجزیه و تحلیل به نقطه اشباع نظری رسید. اشباع نظری به این صورت است که محقق با ظهور اکتشاف اولیه سعی خواهد کرد اطلاعات بیشتری را در ادامه گردآوری کند تا ارتباط مقوله‌های اصلی با مقوله‌های

1. Snowball Sampling

2. Theoretical Saturation

دیگر وضوح و معنای بیشتری پیدا کند تا آنجا که محقق احساس کند صاحب نظران دیگر اطلاعات جدیدی ارائه نمی دهند.

برای گردآوری داده ها از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. پس از انجام مصاحبه ها، پژوهشگر به پیاده سازی مصاحبه های ضبط شده اقدام کرد و برای تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها از روش تحلیل مضمون در نرم افزار MAX QDA استفاده شد. در این پژوهش، از شش گام تحلیل مضمون براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) استفاده شد. گام اول آشنایی با داده ها؛ پژوهشگر با خواندن و بازخوانی مصاحبه ها با مجموعه داده ها آشنا شد و سپس به یادداشت برداری از آنها اقدام کرد. گام دوم ایجاد کدهای اولیه؛ در این گام پژوهشگر داده های به دست آمده از گام قبلی را به صورت معنادار و نظام مند سازمان دهی کرد. در این گام کدگذاری به صورت باز صورت گرفت، بدین معنا که کدهای از قبل مشخص شده ای وجود نداشت. گام سوم جستجوی مضامین؛ پس از بررسی کدها، آنها در قالب مضامین گسترده تری (فرعی و اصلی) قرار گرفت. گام چهارم مرور و بررسی مضامین؛ در این گام مضامین اولیه ای که در گام سوم به دست آمده بود از منظر اینکه آیا این مضامین منطقی هستند، آیا داده ها از مضامین پشتیبانی می کنند، آیا مضامین از هم مجزا هستند، مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت. گام پنجم تعریف مضامین؛ این گام به عنوان پالایش نهایی مضامین محسوب شد که هدفش شناسایی ماهیت هر مضمون بود، بنابراین در این گام پژوهشگر به دنبال آن بود که مضامین فرعی را چگونه با مضامین اصلی مرتبط کند. گام ششم نگارش گزارش؛ در این گام پایانی، پژوهشگر به تدوین گزارش با تکیه به نقل قول های مستقیم از مشارکت کنندگان در پژوهش اقدام می کند.

۵. یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مضمون‌های پایه، مضمون سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر، راهبردهای مقابله با نفوذ فرهنگی آمریکا در دهه چهارم انقلاب کدگذاری شد.

در مورد سؤال اول با توجه به نظرهای مصاحبه‌کننده‌ها از زاویه سیاسی و روابط بین‌الملل، مسئله نفوذ سیاسی یا اطلاعاتی عملیاتی نفوذ، مسئله‌ای سخت و نیمه‌سخت بوده که ابعاد آن روشن است. این مقوله از مختصاتی تحت این عنوان که شما با دشمنی مواجه هستید که می‌دانید عملیات را پنهان می‌کند و آشکارا عمل می‌کند، لذا شما جلوی آن سد ایجاد می‌کنید و راهکار مقابله دارید یا راهکار مشخصی وجود دارد؛ یعنی تهدید فوری و اقدام فوری است. ضمناً اثری ناشی از رخداد یک اثر مشخص عمدتاً نقطه‌ای است و اگر دشمن موفق شود، موفقیت ماندگار نیست، خصوصاً در این حوزه‌ها که حساسیت بالا است. برای اثرگذاری قطعی پایدار و مستمر، دشمن نیاز داشت به شکل نرم و فرهنگی وارد شود و مکنونات خود را به یک اثر ماندگار تبدیل کند. از این‌رو تمام تلاش این است که در حوزه‌هایی که ماندگاری دارد اثرگذاری داشته باشد که همانا یکی از این روندها حوزه‌های جدی فرهنگ است. اگر فرهنگ را زیربنا دانسته، تغییر در مبانی و ارزش‌های فرهنگی باعث می‌شود مسائل روبنایی که ممکن است دشمن روی آن سرمایه‌گذاری کند، به‌طور کامل مورد بازخورد قرار گیرد. با تغییر صورت گرفته در سبک زندگی و فرهنگ مورد نظر و نیز مطالعه نفوذ که مقام معظم رهبری بر آن تأکید کرده و بعد نفوذ مسئولان در دستگاه‌های خاص، از دیگر تأکیدات جان کری در برج‌ام بود.

در مورد سؤال دوم با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌کننده‌ها می‌توان گفت این امر یک مسئله انباشتی است و فرهنگ در لحظه اتفاق نخواهد افتاد؛ یعنی یک انباشت به نقطه‌ای رسیده که عملاً عامل آسیب‌پذیری می‌شود. به‌عنوان مثال اگر کارگزاری به سطح فرهنگی انقلاب معتقد نباشند خود این امر به عامل نفوذ

مستقیم و غیرمستقیم تبدیل می‌شود. بخش دیگر ساختار است. وقتی در ساختار تعارض وجود داشته باشد و نظام ارزشی خوب در ساختار دیده نشده باشد، درواقع خود عامل آسیب می‌شود. حال اگر قوانین و مقررات به‌نحوی پیوست فرهنگی نداشته باشد و به نظام ارزشی آمیخته نشده باشد، آسیب وجود دارد. این عوامل آسیب‌های درونی است. البته یک بخشی از آسیب‌های بیرونی را دشمن ایجاد می‌کند. مثلاً رسانه‌ها امروز پدیده‌هایی شده‌اند که بسیار برای جوانان اثرگذار است؛ یعنی شکل‌گیری نظام فکری مردم از طریق اقدام‌هایی که دشمنان انجام می‌دهند با ابزار رسانه‌ای مؤثر است. اینکه چقدر فهم تهدید نسبت به اقدام دشمن داشته باشیم به دولت‌ها برمی‌گردد یعنی یک دولتی اقدامی انجام می‌دهد و جهانی شدن (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳) را پدیده مطلوب می‌داند و معتقد است در حوزه فرهنگ ما باید با دنیا یک‌دست شویم؛ همان‌طور که در دوران انقلاب بعضاً مسئولان ذی‌ربط عملاً چنین رویکردی داشتند.

در مورد سؤال سوم نیز مستنبط از پاسخ‌دهندگان باید عنوان کرد حسب مفاهیم مطروحه از کتابی درباره نفوذ آمریکا در عراق جدید نوشته جعفری هرندی (۱۳۹۵)، ایشان در حوزه سیاست اقتصاد فرهنگ راهکارهای آمریکا را شمارش می‌کند. در ادامه خاطرنشان می‌شود در عراق چه اقدام‌هایی می‌کنند درحالی‌که آنها مستقیماً به جامعه عراق دسترسی داشته و به جامعه ایرانی دسترسی ندارند. نفوذ بودجه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا در کشور از طریق سفارت‌های کشورهای دیگر مثلاً در آموزشگاه‌های زبان کشور ما، شاهدی بر این ادعاست. به‌عنوان نمونه در آموزشگاه‌های زبان، کتاب‌های بومی وجود ندارد. کتاب‌ها محتوای آمریکایی دارد و مثلاً بحث شراب‌خواری، روابط دختر و پسر و ... به‌سهولت دیده می‌شود. مثلاً در عراق درباره زنان و دختران تأکید فراوان شده چراکه آنها مادر شده و فرزند تربیت خواهند کرد و مجموعه‌ای از کلاس‌های رقص برگزار می‌شود که نام آن دیپلماسی رقص است. در کشور عراق به شکل وسیع ترویج جدی این‌گونه مسائل وجود دارد که از درون آن فسادهای زیادی نیز خارج می‌شود. مثلاً در فرایند

بورسیه‌های تحصیلی، طرحی وجود دارد با نام تربیت رهبران آینده، به گونه‌ای که دولت دمکرات در سال حدود ۳۰ هزار عراقی را بورسیه می‌کند و پیش‌بینی می‌شود که عراق به دشمن شماره یک ایران تبدیل شود، همان گونه که هم‌اکنون نیز مشکلاتی وجود دارد.

به عنوان مثال نخبگان فرهنگی مثلاً فیلم‌سازان ایرانی در فستیوال‌هایی شرکت کرده و جوایزی دریافت می‌کنند که به نوعی تأثیر فرهنگی از آمریکا و ابزار نفوذ به شمار می‌رود. البته این ویت‌ترین‌ها اغلب با سبک و سیاق آمریکایی، انگلیسی، سوئیسی و ... دیده می‌شود. از طرفی بسیاری از کارگزاران دولت‌ها در طول دوران انقلاب تحصیل کرده آمریکا بودند. ما نمی‌گوییم که درس خواندن در آمریکا بد است، اما تحت تأثیر قرار گرفتن اشتباه است. هویت ملی در یک عبارت مفهومی کلان بوده که در ذیل آن مفاهیم متعددی تعریف می‌شود. از این رو با رویکرد فوق‌الذکر بین سبک زندگی رسمی و غیررسمی شکاف ایجاد کرده و به دوگانگی و چالش‌های زیستی و فرهنگی متعدد منجر می‌شود.

در نهایت در پاسخ به سؤال چهارم با توجه به نظرهای ارائه شده خبرگان پژوهش، تغییر مدنظر در راهبرد آمریکا شیوه تفکر و سبک زندگی است و رسیدن به نقطه‌ای که بی‌تفاوتی اتفاق می‌افتد. نقطه عطف نفوذ این است که خود فرد هم مطلع این نفوذ نشده باشد. مثلاً اینکه درصد بالایی خواستار آزادی حجاب هستند نتیجه یک نفوذ فرهنگی است. در اینجا دیگر اثر دشمن به وضوح دیده نمی‌شود. مثلاً در فرایند یک انتخابات، فرد انتخاب شده مورد تأیید دشمن است بی‌آنکه اثری از دشمن باشد و به شیوه فرهنگی، ذائقه مردم را عوض خواهد کرد که همانا برنامه‌ریزی دشمن به سهولت محقق می‌شود. خبرگان پژوهش بیان کردند که سلطه‌طلبی آمریکا در قالب فشار اقتصادی؛ فشار سیاسی و فشار حقوقی اجرایی می‌شود. به علاوه، نگارنده نیز در بررسی‌های خود موارد مذکور را مشاهده کرده و نقل قول خبره شماره ۶ در راستای سلطه‌طلبی آمریکا با فشار اقتصادی این گونه خودنمایی می‌کند:

به‌طور کلی سیاست آمریکا در این خصوص یک‌سری امور بلندمدت و کوتاه‌مدت است. اغلب راهبردهای بلندمدت مورد تغییر ذائقه کشورهای مخاطب قرار می‌گیرد. از آنجا که هدف بلندمدت آمریکا ایجاد سلطه است، یکی از راهبردهای آمریکا پیشرفت قدم‌به‌قدم بوده که با سلطه اقتصادی شروع می‌شود. شرکت‌های چندملیتی با عقبه آمریکایی به‌عنوان ابزار نفوذ در دیدگاه مقامات آمریکا یاد می‌شود. حضور اقتصادی و شبکه اقتصادی ایجاد شده به‌تدریج به شبکه سیاسی ورود پیدا می‌کند. از بارزترین خواص دموکراسی به سبک آمریکایی می‌توان به این نکته اشاره کرد که سیاستمدار برای تأمین نیازهای تبلیغاتی وابسته به کانون‌های ثروت در شکل شرکت‌های چندملیتی ورود می‌کند. مثلاً متذکر شده در حوزه‌های بانکی باید در ذیل FATF ورود کرد یا برخی از قوانین در حوزه نظامی باید در ذیل MTCR قرار گیرد. از طرفی برخی ساختارهای بین‌المللی را ایجاد می‌کنند به‌گونه‌ای که اگر مجموعه هدف وارد این ساختارها نشود به تبعات سوء و مخربی منجر می‌شود. در بررسی‌های انجام شده در این پژوهش مشخص شد که یکی از نظریه‌های نفوذ، سلطه‌طلبی با هدف استعمار داخلی است.

براساس نظرهای گردآوری شده در این پژوهش، می‌توان استنباط کرد که سلطه‌طلبی آمریکا در مواردی از قبیل پیشرفت و توسعه ایران؛ قطب شدن ایران در منطقه و تشکیل جبهه مقاومت و نابودی داعش نمایان شده است. همچنین در این بررسی مشخص شد که اگرچه در طول تاریخ همواره نبرد فرهنگی وجود داشته است اما نباید فراموش کرد که این تهاجم و نبرد فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ابعاد تازه‌تر و گسترده‌تری به خود گرفته است. به‌عبارت دیگر تمامی قدرت‌های استعماری به تکاپو افتاده‌اند تا از گسترش موج سهمگین انقلاب اسلامی و فرهنگ حرکت‌آفرین و حیات‌بخش آن به هر شیوه ممکن جلوگیری کنند. اشاره به برخی از اعتراف‌ها و اقدام‌های دشمن در این خصوص، این حقیقت را روشن می‌سازد که تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام علیه فرهنگ انقلاب، با گذشته از بسیاری جهات فرق می‌کند. خبرگان پژوهش بیان کردند که اختلاف بین

جریان‌های سیاسی داخلی در قالب اختلاف‌ها در اجرای سیاست‌های خرد و کلان؛ اختلاف‌ها براساس تقابلات و منافع حزبی و اختلاف‌های متأثر از عقاید دینی احزاب عملی شده است. به‌علاوه اینکه، نگارنده نیز در بررسی‌های خود موارد مذکور را مشاهده کرد و نظر خبره شماره ۶ در راستای اختلاف‌ها در اجرای سیاست‌های خرد و کلان این‌گونه بود: کشورهای غربی اغلب مبتنی بر استراتژی‌های حزبی بنا شده‌اند. کارهایی از قبیل مدیریت نخبگان، جذب نخبگان، آموزش نخبگان و انتقال تجربیات به نخبگان در محیط‌های حزبی انجام می‌شود و یکی از راهبردهای بلندمدت آنها طراحی حزب در آنجا است که این تبعات بین‌المللی هم دارد. ولی تجربه حزب ما در کشور خیلی موفق نبوده است.

در بررسی‌های انجام شده در این پژوهش مشخص شد همان‌طور که مقام معظم رهبری (رهبر شهید) فرمودند «اگر شما هرکدام از این رادیوهای بیگانه را باز کنید، در هریک از برنامه‌هایشان، حداقل چند بار اسم جناح محافظه‌کار و نوگرا را مطرح می‌کنند؛ تعبیراتی که ملت ایران و علاقه‌مندان به انقلاب و مؤمنان و وفاداران به مصالح عمومی این ملت و این کشور را به جبهه‌های مختلفی تقسیم می‌کند امام می‌گفتند ایران یکپارچه، ملت متحد و هم‌زبان؛ اما عده‌ای سعی می‌کنند طبق خواست و میل و صلاحدید دشمنان این ملت، جهات غیرعمومی را - قومیت‌ها و مذاهب و دسته‌دسته کردن مردم و بازی با الفاظی از قبیل حزب و امثال آن را- در میان مردم رایج کنند و یکپارچگی مردم و آن وحدتی را که می‌تواند ایران اسلامی را از لابلای توفان‌ها عبور دهد، به هر شکلی دچار انشقاق و پراکندگی کنند» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا، ۱۳۸۰/۱/۱). گفتنی است برخی از این مثال‌ها در اکثر دولت‌ها نیز وجود داشته است. اما جایزه به فیلم‌سازان ایرانی، آموزش زبان و کتاب‌های آموزشی و ... نسبتاً در مقایسه با سایر موضوع‌ها پررنگ‌تر بوده است.

براساس نظرهای گردآوری شده در این پژوهش می‌توان استنباط کرد که نگاه برخی از مسئولان دولت‌ها در مواردی از قبیل: کم‌توجهی به مفهوم «همدلی

و هم‌زبانی دولت و ملت؛ عدم الگوسازی اسلامی-بومی در فرهنگی سیاسی و نادیده گرفتن رخنه‌های فرهنگی از طریق ابزارهای فرهنگی مدرن تجلی یافته است. خبرگان پژوهش بیان کردند که وادادگی برخی مسئولان در قالب عدم تغییر در رویه سیاست داخلی احزاب متناسب با جنگ اطلاعاتی؛ جنگ اقتصادی و جنگ دیپلماسی آمریکا (موسوی خورشیدی، ۱۳۹۴)، ضعف‌های شخصی در مقابله با نفوذ فرهنگی آمریکا به صورت نرم و وادادگی هم‌سطح با سیاست‌های نفوذ آمریکا برای براندازی نظام نمایان شد.

همچنین عملکرد نهادهای مرتبط با انقلاب فرهنگی در مواردی از قبیل: ضعف در همبستگی گروه‌های مختلف قومی- مذهبی مردم در ایران؛ کم‌توجهی در به‌روزرسانی سیاست‌های انعکاسی داخلی و بین‌المللی و عدم اطلاع‌رسانی رسانه ملی در مورد نظریه‌های مدرن نفوذ فرهنگی تجلی یافته است. رویکرد اصلی جریان نفوذ در هر سه لایه (نفوذ فردی، جمعی و جریانی) است و نتیجه این نفوذ باید فشار لایه عمومی و پذیرش مدیران عالی باشد. این مسئله فرایندی و در پنج مرحله انجام می‌شود: ۱. تغییر در افکار، ۲. تغییر در باورها مثلاً چرا نذری برای امام حسین (ع)؟، ۳. تغییر در رفتار، ۴. تغییر در ماهیت، ۵. ایجاد ساختار جدید که می‌شود براندازی. در محاسبات مشخص شد که مهم‌ترین اتفاق زمینه‌ای و محیطی که تأثیر مثبت بر نفوذ فرهنگی گذاشت گسترش فضای مجازی و رسانه‌هایی است که تابع حاکمیت نبودند. نفوذ فرهنگی قبلاً از طریق دانشگاه‌ها، متون علمی، شبکه‌های ماهواره‌ای و افرادی که ذهنشان مجری نفوذ بود اتفاق می‌افتاد الان یک ابزار قدرتمندتر یعنی دایره نفوذ از همه قبلی‌ها بیشتر است فضای مجازی است که بازیگر اصلی نفوذ فرهنگی آمریکاست. نرم‌افزاری مثل اینستاگرام ۴۰ میلیون کاربر در ایران دارد که این گسترش وسیع فضای مجازی شامل همه می‌شود از فردی معمولی با سطح سواد حداقلی گرفته تا استاد دانشگاه همه را دربر گرفته است.

جدول ۱. شاخص‌ها و راهبردهای مقابله با نفوذ

مفهوم	ابعاد	مؤلفه	شاخص
توسعه	راهبردها	نیروی مقابله با نفوذ امنیتی	نفوذ بیگانه در این کشور ممنوع (عدم دخالت فرهنگی، سیاسی و ... خارجی‌ها)
			لزوم خاکریز محکم و دژ مستحکم در مقابل نفوذ دشمن
			فراهم‌سازی وسایل مصون‌سازی در مقابله با نفوذ دشمن
			مخالفت با ایجاد پایگاه دشمن در کشور
			لزوم مراقبت از نفوذ دشمن در داخل کشور
			لزوم مراقبت و هوشیاری ملت در مقابله با روش‌های موبذیانه نفوذ دشمن
			لزوم پیش‌بینی و شناخت اینکه دشمن از چه راهی وارد خواهد شد
			ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن
			لزوم عدم رخنه در حصار نیروهای مسلح
			جدی گرفتن تهدید
			پیدا کردن نقاط نفوذ دشمن
			عدم اجازه نفوذ به حریم امنیتی و دفاعی کشور به بهانه نظارت
			عدم نفوذ آمریکا در کشور
			هوشیاری و آمادگی نظامی، آمادگی روحی و آمادگی ...
			استحکام نیروهای مسلح

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. راهبردهای مبتنی بر قوت‌ها و فرصت‌ها

ردیف	راهبردهای اولیه SO (قوت – فرصت)	ردیف	راهبردهای اولیه ST (قوت – تهدید)
۱	جلوگیری از نفوذ در کشور از طریق جلوگیری از ورود نفوذی‌ها به بدنه مدیریتی و عدم غفلت و فراموشی دشمن	۱	متوقف کردن روند غرب‌باوری و غرب از طریق مقابله با تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها و مقابله با ایجاد شکاف و رخنه در بافت یکپارچه فرماندهی
۲	شناخت روش‌های دشمن و مراقبت از نفوذ و اخلاص دشمن از طریق روشنگری و بیان حقیقت پیرامون نفوذ دشمن، تدبیر و هوشیاری و سرعت عمل در مقابله با نفوذ	۲	جلوگیری از نفوذ در کشور و عدم اجازه به رخنه دشمن در بافت یکپارچه فرماندهی و مدیریت کشور با توجه به شناخت روش‌های نفوذ دشمن، اشراف بر فعالیت سفارتخانه‌ها و دو تابعیتی‌ها

مأخذ: همان.

جدول ۳. راهبردهای مبتنی بر ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها

ردیف	راهبردهای اولیه (ضعف - فرصت) WO	ردیف	راهبردهای اولیه (ضعف - تهدید) WT
۱	از بین بردن ضعف در زمینه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی از طریق مقابله و ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن، تدبیر، بصیرت و خنثی کردن فتنه‌گری‌ها	۱	مقابله با نفوذ در دستگاه‌های حساس و نزدیک شدن به افراد و موضع‌گیری بر ضد بعضی دیگر و نفوذ و جهت‌گیری در دستگاه‌های مدیریتی
۲	جلوگیری از نفوذ در دستگاه‌های حساس کشور از طریق ارتقای اشراف اطلاعاتی و جلوگیری از ورود نفوذی‌ها به بدنه دستگاه	۲	جلوگیری از نزدیک شدن به افراد و ایجاد اختلاف توسط سفارتخانه‌های غربی، نفوذ در نخبگان، افراد مؤثر، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران با هدف ایجاد رخنه در دیواره نظام و جهت‌گیری دستگاه‌ها

مأخذ: همان.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت نفوذ فرهنگی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران، پدیده‌ای تک‌بعدی و مقطعی نیست، بلکه فرایندی تدریجی، پیچیده، نرم و چندلایه است که با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع ارتباطی، رسانه‌ای، آموزشی و اجتماعی، در پی اثرگذاری بر ساختارهای فکری، ارزشی و رفتاری جامعه ایرانی است. براساس مسئله مطرح‌شده در مقاله، ایالات متحده پس از تجربه محدودیت‌ها و ناکامی‌های ناشی از اعمال قدرت سخت، تلاش کرد با تمرکز بر مؤلفه‌های فرهنگی و شناختی، زمینه‌های نفوذ خود را در سطوح مختلف جامعه فراهم سازد؛ به‌گونه‌ای که این نفوذ نه صرفاً در عرصه عمومی، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر هویتی، اعتقادی و سبک زندگی نیز مشاهده می‌شود. الگوی نفوذ فرهنگی آمریکا در چند محور اساسی قابل تبیین است. ازجمله مهم‌ترین آنها می‌توان به نفوذ از طریق دیپلماسی، تضعیف و خدشه‌دار کردن ارزش‌های فرهنگی و دینی، اثرگذاری بر افکار و عقاید مسئولان، رخنه در باورها و اعتقادهای مردم، نفوذ در میان نخبگان و جهت‌دهی به الگوهای مصرف فرهنگی اشاره کرد. این موارد بیانگر آن است که پروژه نفوذ فرهنگی، صرفاً به تغییر برخی نمادها و جلوه‌های ظاهری معطوف نیست، بلکه هدف نهایی

آن، دگرگونی تدریجی در نظام اولویت‌ها، ارزش‌ها، الگوهای ذهنی و سبک زیست فرهنگی جامعه است.

از منظر روش‌شناختی، پژوهش با اتکا بر رویکرد کیفی و کاربردی و بهره‌گیری از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از خبرگان و تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل مضمون، تلاش کرده است تصویری منسجم و عمیق از ابعاد این پدیده و شیوه‌های مواجهه با آن ارائه کند. این رویکرد موجب شد علاوه بر شناسایی ابعاد نظری و مفهومی نفوذ فرهنگی، بتوان راهبردهای عملی و قابل استفاده برای سیاستگذاران و تصمیم‌گیران فرهنگی نیز استخراج کرد.

یافته‌های مقاله همچنین نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین بسترهای نفوذ فرهنگی آمریکا، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی و تولید محتوا است؛ فضایی که به دلیل گستردگی، سرعت اثرگذاری، جذابیت و قابلیت شکل‌دهی به افکار عمومی، به ابزارهای مؤثر برای انتقال ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی مطلوب غربی تبدیل شده است. در این میان، نسل جوان، قشر تحصیل کرده و کاربران فعال در محیط‌های مجازی، بیش از سایر گروه‌ها در معرض این نوع اثرگذاری قرار دارند. از این رو، مسئله نفوذ فرهنگی را باید نه صرفاً تهدید بیرونی، بلکه چالشی عمیق در حوزه مدیریت فرهنگی، هویت‌سازی اجتماعی و حکمرانی فضای عمومی دانست.

در جمع‌بندی نهایی، می‌توان تأکید داشت که مقابله با نفوذ فرهنگی آمریکا، صرفاً با اقدام‌های سلبی، محدودکننده یا امنیتی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه نیازمند اتخاذ رویکردی ایجابی، هوشمند، بلندمدت و چندسطحی است. به بیان دیگر، هرگونه سیاست مقابله‌ای زمانی موفق خواهد بود که بر تقویت بنیان‌های فرهنگی و هویتی جامعه، بازتولید و ترویج ارزش‌های بومی و دینی، افزایش سواد رسانه‌ای، حمایت از تولید محتوای اصیل و جذاب داخلی، ایجاد فضاهای فرهنگی امن، پایدار و اقناع‌کننده استوار باشد. در چنین شرایطی، جامعه نه تنها در برابر الگوهای نفوذ مصنوعی‌تر خواهد شد، بلکه توانایی بیشتری برای بازتولید هویت مستقل و مقاومت فرهنگی از خود نشان خواهد داد.

بنابراین می‌توان گفت موفقیت در برابر نفوذ فرهنگی، بیش از هرچیز در گرو استحکام درونی، انسجام هویتی، اعتماد فرهنگی و توانمندسازی ساختارهای رسمی و غیررسمی تولید فرهنگ است. هرچه این ظرفیت‌ها در جامعه تقویت شود، زمینه‌های پذیرش و بازتولید عناصر فرهنگی بیگانه کاهش خواهد یافت. ازاین‌رو، سیاستگذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران باید با درک دقیق از سازوکارهای نوین نفوذ، از موضعی فعال، آینده‌نگر و مبتنی بر تقویت سرمایه فرهنگی داخلی عمل کند تا بتواند در برابر تهدیدهای نرم، پاسخی مؤثر، پایدار و متناسب ارائه دهد.

پیوست ۱. پرسشنامه عوامل مؤثر بر نفوذ فرهنگی و راهبردهای مقابله با آن

تجزیه و تحلیل نفوذ فرهنگی به عنوان پدیده‌ای پیچیده شامل در نظر گرفتن مؤلفه‌های داخلی و خارجی است. از این رو، پرسشنامه حاضر با تمرکز بر بررسی عوامل نفوذ فرهنگی آمریکا در دوران چهارم انقلاب اسلامی قصد دارد نقطه نظرات و دیدگاه‌های نخبگان حوزوی و دانشگاهی را پیرامون عوامل و ابزارهای نفوذ فرهنگی و راهبردهای مؤثر برای مقابله با آن را مورد واکاوی و کنکاش دقیق‌تر قرار دهد، لذا از شما نخبه و سیاست‌مدار محترم تقاضا داریم که با پاسخ‌های ارزشمند خود، ما را در نیل به این مقصود یاری فرمایید.

*** پرسشنامه باز ***

اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

جنسیت:
سن:
آخرین مدرک تحصیلات دانشگاهی یا حوزوی:
رشته دانشگاهی:
شغل:
سابقه کاری یا مدیریتی (براساس سال):

ردیف	سؤال‌های پرسشنامه
۱	علل اصلی و ریشه‌یابی (ایجابی و سلبی) نفوذ فرهنگی در سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ انقلاب چیست؟ پاسخ:
۲	شرایط زمینه‌ای و عوامل محیطی در نفوذ چه بوده است؟ پاسخ:
۳	راهبردهای آمریکا (ایجابی و سلبی) برای نفوذ فرهنگی در سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ انقلاب چیست؟ پاسخ:
۴	پیامدهای نفوذ فرهنگی در سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ انقلاب چه بوده است؟ پاسخ:
۵	به نظر شما مهم‌ترین عوامل یا ابزار داخلی یاری‌دهنده در داخل کشور در دوره چهارم انقلاب (در دولت یازدهم و دوازدهم) برای نفوذ فرهنگی در بین اقشار مختلف و گروه‌های مختلف قومی - مذهبی مردم در ایران توسط آمریکا کدام و به چه شکل صورت می‌گرفت؟ پاسخ:
۶	به نظر شما مهم‌ترین عوامل ایجاد و اعمالی خارجی فشار از منظر سیاسی و حقوقی برای نفوذ فرهنگی در دوران سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ انقلاب به چه شکل و از چه طرقی اعمال می‌گردید؟ پاسخ:
۷	آیا آمریکا در دوره چهارم انقلاب اسلامی توانسته است رخنه‌های فرهنگی خود را از طریق ابزارهای فرهنگی مدرن مانند رسانه‌های سمعی - بصری یا مجازی یا نشریات ایجاد و توسعه دهد؟ و آیا سیاست‌های فرهنگی داخلی کشور در مقابله نرم توانسته است در جهت مقابله با آن اقدام نماید؟ پاسخ:
۸	از نظر شما جریان‌های حزبی داخلی در دوران سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ انقلاب در مقابله با نفوذ فرهنگی آمریکا به صورت نرم یا مقابله‌ای اقدام نموده‌اند یا به نوعی هم‌سطح با سیاست‌های نفوذ آمریکا پیش رفته‌اند؟ راهکار مقابله در صورت موافقت چیست و چه سیاست یا تغییراتی باید در رویه سیاست داخلی احزاب ایجاد گردد؟ پاسخ:
۹	از نظر شما فیلم‌های تولیدی صداوسیما مانند گاندو ۱ و ۲ و ... در مقابله برای جریان‌های نفوذ واقعیت‌های انعکاسی نفوذ حتی به صورت سیاسی بود یا مقابله حزبی با جریان اصلاح‌طلب؟ پاسخ:
۱۰	از نظر شما به طور کلی سیاست‌های خرد و کلان ما در برابر پدیده نفوذ باید به چه شکل تنظیم، نهادی و اجرایی گردد؟ پاسخ:

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آقامحمدی، مهدی (۱۳۹۱). *ارتباطات میان فرهنگی، تهران، سپهر دانش*.
۳. اسمیت، استیو و جان بلیس (۱۳۹۵). *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین: زمینه تاریخی و نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، جلد اول، چاپ پنجم، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران*.
۴. الوانی سیدمهدی (۱۳۸۶). *مدیریت عمومی، تهران، نشر نی*.
۵. امیری، مجتبی (۱۳۷۲). «نظریه رویارویی تمدن‌ها از دیدگاه منتقدان»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، ش ۷۳-۷۴.
۶. باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۵). *موج چهارم، جنگ نرم (ویراست جدید)، تهران، زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)*.
۷. بختیاری، معصومه (۱۳۹۱). «نقدی فرهنگی بر داستان مدرسه اثر جلال آل‌احمد براساس نظریه «صنعت فرهنگ» تئودور آدورنو»، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره ۱۷، ش ۱.
۸. بنیانیان، حسن (۱۳۸۸). «مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل در جامعه ایران»، *ماهنامه سوره*، ش ۱۴.
۹. پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸). *فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، نشر قطره*.
۱۰. تابش، علی و نوراله مرادی (۱۳۹۲). *دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی*.
۱۱. جعفری هرندی، امیررضا (۱۳۹۵). *مدیریت نفوذ ایالات متحده در عراق جدید، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)*.
۱۲. جمشیدی‌ها، غلامرضا (۱۴۰۰). «ترسیم شبکه نفوذ در مدارس ایرانی با رویکرد بررسی اسناد لانه جاسوسی آمریکا در ایران»، *نشریه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی*، دوره ۳، ش ۵.
۱۳. جی، مارتین (۱۳۷۲). *تاریخچه مکتب فرانکفورت، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، نشر کویر*.
۱۴. حاجی رستم‌لو، قدرت (۱۳۹۴). «آموزش زبان انگلیسی به‌مثابه ابزار نفوذ فرهنگی»، *فصلنامه مطالعات عملیات روانی*، ش ۴۲.
۱۵. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۱). «نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد»، *مجله سیاست خارجی، سال شانزدهم*، ش ۴.
۱۶. حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *دانش سیاسی*، ش ۲.
۱۷. حسینی‌نژاد، بی‌بی راضیه و مصطفی ملکوتیان (۱۳۹۶). «چیستی و چرایی نفوذ فرهنگی نظام سلطه و

راهکارهای مقابله با آن با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۶۰.

۱۸. حیاتی علی‌آباد، سیدروح‌اله (۱۳۹۷). «نگاه قرآنی به شایعه و شبهه دو روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه»، مجله معرفت، ش ۲۴۷.

۱۹. خاتمی سبزواری، سیدجواد و زهره بقیعی (۱۳۹۶). «واکاوی مسئله نفوذ فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری با تکیه بر آیات قرآن»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال هفتم، ش ۴.

۲۰. دولتی، مجتبی و مرضیه شمسی‌گوشتی (۱۳۹۷). «بررسی شیوه‌های نفوذ در پسابرجام»، چهارمین همایش تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران، دبیرخانه همایش تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای.

۲۱. رحیمی، بهمن و فواد ایزدی (۱۴۰۰). «طرح راهبردی مقابله با نفوذ سیاسی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آرا و اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۱، ش ۴۱.

۲۲. رضوی‌پور، اسماعیل (۱۳۸۱). «پایان جنگ سرد و گسترش نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۲۳. روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۴). زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، تهران، انتشارات عطار.

۲۴. ریتزر، جورج (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دهم، تهران، انتشارات علمی.

۲۵. ——— (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر ثالث.

۲۶. سایت بیانات مقام معظم رهبری www.khamenei.ir

۲۷. سپهری، یداله، محمدحسین پندار و فریبا ایری (۱۴۰۰). «مناسبات فرهنگی عامل نفوذ آمریکا در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، ش ۲ (شماره پیاپی ۳۷).

۲۸. سعیدی، روح‌اله (۱۳۸۷). «صنعت فرهنگ (کندوکاوی در اندیشه مکتب فرانکفورت)»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، ش ۲۱.

۲۹. سلیمی، حسین (۱۳۷۹). «فرهنگ در جهان متغیر»، مجله پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲، ش ۳.

۳۰. شهرام‌نیا، سیدامیرمسعود، علی ابراهیمی و میثم بلباسی (۱۳۹۱). «واکاوی مفهومی قدرت نرم و راهکار فرصت‌های ایران در قبال آن»، مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، سال اول، ش ۳.

۳۱. فرخ‌وندی، امیر و فاطمه پارسی (۱۳۹۵). «واکاوی و نقد «صنعت فرهنگ» در مکتب فرانکفورت (با تأکید بر مباحث هورکه‌ایمر و آدورنو)»، ترویج علم، سال هفتم، ش ۱۱.

۳۲. فلاحی، علی (۱۳۸۰). «سازنده‌گرایی در سیاست خارجی»، مجله راهبرد، ش ۲۱.

۳۳. قدمی، محسن و حمید مصطفوی (۱۳۸۸). «اهمیت فعالیت‌های فرهنگی در روابط بین‌الملل و ارائه مدل عملیاتی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، ش ۵. ۳۴. قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴). «نفوذ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله صباح، سال اول، ش ۳.

۳۵. قنبری خانقاه، قاسم (۱۳۹۳). «سازوکارهای بهره‌برداری آمریکا از آموزش زبان انگلیسی برای گسترش قدرت نرم و راهکارهای مقابله با آن، با تأکید بر منابع آموزش زبان انگلیسی در ایران»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳۶. کاظمی، حجت و غلامرضا بصیرینیا (۱۳۹۷). «منازعات درونی ساخت سیاسی و چالش بازتولید فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعه میان فرهنگی، سال سیزدهم، ش ۳۷.

۳۷. کلهر، سینا (۱۳۹۹). «ابعاد پنهان و محورهای سند ۲۰۳۰: بررسی سند دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار»، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۳۲۲۲۲۰.

۳۸. موسوی خورشیدی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴). «نقش دیپلماسی عمومی نوین در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، سال دوم، ش ۶.

۳۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳). موج سوم در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران، انتشارات روزنه.

۴۰. _____ (۱۳۸۰). تمدن‌ها، بازسازی نظم جهانی، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران، انتشارات کتاب‌سرا.

41. Huntington, Samuel P. (1996). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, Library of Congress Cataloging-inPublication Data.

42. ----- (1998). *The Clash of Civilization and Remarking of World Order*, London, Touchstone.

43. Smith, L.D. (2001). <http://eprints.whiterose.ac.uk>